

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۴ ♦ زمستان ۱۳۹۵
صفحات: ۶۲-۴۵ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲



بازتاب قیام جهیمان العتیبی در عصر خود

مرتضی آقامحمدی*

چکیده

در آغازین روز از محرم سال ۱۴۰۰ هجری، جهیمان العتیبی به همراه یاران خود، مسجدالحرام را اشغال و با محمد بن عبدالله القحطانی به‌عنوان مهدی موعود بیعت کردند. این حادثه بسیاری از مفاهیم و مناسبات را در عالم اسلام و به‌طور خاص در کشور عربستان دچار دگرگونی کرد. اهمیت این داستان را از دو جهت می‌توان بررسی نمود. یکی مطالعه تأثیرات کوتاه‌مدت آن بر جهان اسلام به‌خصوص تحریک احساسات ضد آمریکایی در کشورهای مسلمان است و دیگری بررسی تأثیرات بلندمدت این قیام بر جهان اسلام و دیگر جریان‌های سلفی است. این مقاله در صدد تبیین قسم اول از بحث می‌باشد و جهت دوم، مجال دیگری می‌طلبد. هتک حرمت مسجدالحرام و آتش‌گشودن از سوی اشغالگران و نیز دولت سعودی و صدور فتوای علمای وهابی در مورد آن، نارضایتی مردم عربستان از حاکمان خود، ترس از نفوذ انقلاب ایران، آشکارشدن ضعف نیروهای امنیتی و رزمی عربستان، قیام علیه حاکم مسلمان در جهان سنی، متهم‌شدن آمریکا در جهان اسلام و تحریک شیعیان عربستان به قیام، مباحث مهمی است که حکایت از تأثیرگذاری این حرکت در جهان اسلام دارد.

کلیدواژه‌ها: تأثیر قیام جهیمان العتیبی، اشغال مسجدالحرام، بیعت با مهدی.

* استادیار و عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه، پژوهشگر مؤسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر
mam50025@gmail.com

مقدمه

آغازین روز قرن پانزدهم اسلامی در مسجدالحرام آستان حوادثی بود که بعدها یکی از نقاط عطف در تاریخ جریان سلفیت معاصر و جنبش‌های تکفیری را رقم زد. صبح روز سه‌شنبه، اولین روز از محرم سال ۱۴۰۰ قمری، مقادیر زیادی سلاح وارد مسجدالحرام شد. جهیمان العتیبی و جماعت سلفی محتسبه با محمد بن عبدالله قحطان به‌عنوان مهدی موعود بیعت کردند تا با تحقق بخشیدن به روایات قیام مهدی، فتنه‌های آخرالزمان را نابود کنند.

نظام سعودی سراسیمه، تلاش کرد تا هیچ خبری از این ماجرا به بیرون درز نکند؛ پس فرودگاه‌ها را بستند و کلیه خطوط مخابراتی را مسدود کردند، ولی در کمتر از ۳۰ ساعت، همه دنیا از این ماجرا با خبر شدند. عامل پخش خبر هم رادیو صدای آمریکا بود.^۱ اشغال مسجدالحرام توسط این جماعت تا دو هفته به‌طول انجامید. پس از گذشت یک هفته از اشغال و دادن تلفات سنگین از ارتش و گارد ملی، عربستان به عجز خود در خاتمه‌دادن به بحران واقف شد. ادامه اشغال مسجد، رسوایی بزرگی برای حاکمان سعودی بود. آنها دائم در رسانه‌ها اعلام می‌کردند که اشغال مسجد تمام شده و بر امور مسجد مسلط شده‌اند، اما بلافاصله این خبرها نقض می‌شد و دیگر کسی به ادعاهای آنها اعتماد نداشت. درگیری‌ها خونین بود و تلفات جانی و مالی زیادی برجای گذاشت. مردم تا مدت‌ها از اقامه نماز و عبادت در مسجدالحرام محروم شدند. با این حال برای حاکمان آل سعود، رسوایی جهانی به‌وجود آمده، بیش از هر چیز دیگری آزاردهنده بود. درنهایت نیروهای امنیتی سعودی، دست به دامن نیروهای خارجی، به‌ویژه نیروهای فرانسوی شدند. این حادثه در زمان وقوع خود، حامل چند پیام و نکته مهم بود و البته برخی نکات دیگر پس از گذشت زمان، روشن شد. در این مقاله برخی از تأثیرات مهم این حادثه در زمان وقوعش برای عربستان، جریان سلفیت، شیعه و آمریکا بیان خواهد شد.

۱. هتک حرمت مقدس‌ترین مکان اسلامی و تأثیر آن بر ادبیات دینی سلفی

مکه و خانه کعبه، همیشه مورد احترام مسلمانان بوده است. موارد معدودی یافت می‌شود

۱. قحطانی، فهد، زلزال جهیمان فی مکه. منظمة التورة الإسلامية فی الجزيرة العربية، ص ۳.

که قبل از جماعت جهیمان کسی جرأت هتک حرمت و حمله به کعبه را پیدا کرده باشد.^۱ از این رو، اشغال مسجد الحرام، حمل سلاح به داخل و آتش گشودن در آن، موجب بُهت جهان اسلام شد. هتک قداست مسجد، وجود گروگان‌هایی در داخل مسجد، عدم اطلاع‌رسانی درست و سانسور خبری شدید که عادت همیشگی سعودی‌ها در شرایط بحران بوده است، اخبار خونریزی‌های گسترده در حادثه مسجد الحرام که بعدها منتشر شد، برای جامعه عربستان و نیز دیگر جوامع اسلامی قابل باور نبود. به گفته عبدالعزیز الخضر، خاطره حادثه حرم، تاریخ را در ذهن سعودی‌ها به قبل و پس از ۱۴۰۰/۱/۱ تقسیم می‌کند. بعد از این تاریخ، تحولی کلی در فضای اجتماعی جامعه سعودی پیدا شد و منجر به انقلابی در مفاهیم و تصورات گردید که حتی پس از گذشت سه دهه، هنوز هم آثار آن باقی است. همگان از کوچک و بزرگ در مورد اهانت به کعبه، قبله مسلمین و حرم مکی، آزرده خاطر بودند.^۲ این مطلب، برای خاندان سعود نیز مشکل ساز بود، چرا که افکار عمومی اجازه حمله و آسیب‌رسانی به مسجد الحرام را نمی‌داد. اقدامی شکننده برای سرکوب قیام جهیمان، نیازمند فتوایی محکم از ناحیه مفتیان آل سعود بود. ملک خالد که برای حمله به مسجد، به فتوای علمای وهابی نیاز داشت، سی تن از علمای بلند پایه وهابی را به کاخ خود فرا خواند.^۳ البته باید در نظر داشت که در کمتر از ۲۴ ساعت از وقوع حادثه حرم، عملیات نظامی علیه اشغال‌گران شروع شد و این درحالی بود که هنوز فتوایی مبنی بر جواز حمله به مسجد الحرام و اشغال‌کنندگان از ناحیه علمای سعودی صادر نشده بود.^۴ برخی معتقدند در تاریخ ۱۹۷۹/۱۱/۲۴ که روز پنجم از حادثه اشغال حرم بود، این فتوا از ناحیه علما صادر شد؛ اما ملک خالد از آنها خواست تا تاریخ فتوا را به چند روز قبل،

۱. یک نمونه دیرین آن، حمله سپاه یزید بن معاویه به مکه در جدال با عبدالله بن زبیر است. نمونه دیگر آن، حمله عده‌ای از قرمطیان در سال ۳۱۷ هجری به مسجد الحرام و اشغال و ربودن حجرالاسود و انتقال آن به شرق عربستان است. (نک: کردی، محمد طاهر. التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم. ج ۲، ص ۲۶۲). سران این قوم گمان می‌کردند اگر حجرالاسود را به جای دیگری ببرند، مردم برای زیارت حجرالاسود سرازیر خواهند شد و درآمدی نصیب قبیله آنان خواهد شد. قرمطیان ۲۰ سال بعد حجرالاسود را به محل اصلی‌اش بازگرداندند.

۲. حزیمی، ناصر. ایام مع جهیمان، ص ۷.

3. Yaroslav, Trofimov, *The siege of Mecca*. Anchor Books, 2007, 66 .

۴. قحطانی، فهد. زلزال جهیمان فی مکه، ص ۸۶.

یعنی ۱۹۷۹/۱۱/۲۰ بزنند تا توجیه‌کننده اقدام آل سعود در آغاز درگیری‌ها باشد.^۱ با انتشار فتوا، آل سعود دیگر نگران پشتیبانی معنوی نبودند و می‌توانستند تمام نیروی نظامی و آخرین سلاح‌های آمریکایی و اروپایی را در مقابل جهیمان و یارانش به کار گیرند. در متن فتوی نوشته شده بود:

ابتدا از این گروه درخواست شود که سلاح بر زمین بگذارند و تسلیم شوند. اگر پذیرفتند باید در دادگاه، طبق قوانین شریعت اسلامی در مورد آنها حکم شود، اما اگر مقاومت کردند، باید اقدامات مقتضی در دستگیری آنان اتخاذ شود؛ حتی اگر اتخاذ این اقدامات به درگیری و مرگ کسانی بینجامد که تسلیم نشده‌اند.

علمای وهابی در تأیید فتوا به آیه‌ای از قرآن استناد کرده بودند که استفاده از سلاح در مسجد الحرام را جایز می‌دانست. «وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ».^۲ بند آخر فتوا، یعنی همان آیه قرآن، نوعی سردرگمی اعتقادی ایجاد می‌کرد. چرا که علمای وهابی می‌دانستند جهیمان و هم‌قطاران‌شان مسلمان هستند. آنها در توجیه این مطلب گفتند گرچه این آیه فقط در ارتباط با کافران نازل شده است، تفسیر این آیه، کافران و کسانی را در بر می‌گیرد که مثل آنان رفتار می‌کنند.^۳ این بیانیه، درسی بود که نسل‌های آینده و مسلمانان افراط‌گرا آن را هرگز فراموش نکردند و نخواهند کرد؛ زیرا اگر مسلمانی مثل جهیمان را می‌توان به‌خاطر اعمالش کافر نامید، پس بدیهی است هم‌پیمانان آمریکا در دنیای اسلام و آل سعود را هم می‌توان تکفیر کرد. ابومحمد مقدسی که پدر معنوی ابومصعب زرقاوی، بنیانگذار اولیه داعش در عراق است، حرکت جهیمان را دارای اشتباهاتی همچون اشغال و هتک مسجد الحرام و ریختن خون بی‌گناهان دانسته و آن را رد می‌کند؛ اما به عقیده او جهیمان و یارانش صرفاً سلاح به مسجد الحرام حمل کرده بودند، ولی این حکومت بود که نزاع را شروع کرد و آتش گشود. حکومت می‌توانست سکوت کند تا آذوقه آنها تمام شده و تسلیم شوند، اما آل سعود می‌خواست این جماعت کشته شوند، زیرا آنها بیعت با حاکم سعودی را غیرشرعی می‌-

۱. همان، ص ۹۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۱.

3. Yaroslav, Trofimov, *The siege of Mecca*. Anchor Books, 2007, 123.

دانستند. به اعتقاد او، آل سعود برای حفظ حرمت مسجد الحرام دست به اسلحه نبرد. او در مورد آل سعود چنین می‌گوید: «چگونه می‌توان پذیرفت که اینان حرمت بیت الله الحرام را می‌فهمند درحالی که هر ساله در مکه همایش و کنفرانس می‌گیرند و مشرکان نجس و خوک‌ها را به شهر خدا دعوت می‌کنند؟!»^۱.

۲. نارضایتی مردم عربستان از حاکمان خود

حادثه اشغال حرم می‌توانست حاکی از نارضایتی مردم از حکام خود باشد و در نتیجه پشتوانه مردمی نظام را زیر سؤال برد. آنها خود را زعیم مسلمانان می‌دانستند و با تکیه بر دلارهای نفتی و نیز قداست کشورشان، مایل بودند جایگاه رهبری جهان اسلام را تصاحب نمایند. افشای این خبر، رسوایی بزرگی را در پی داشت، از این رو مسئولین سعودی از همان ابتدای ماجرا تا پایان درگیری‌ها از اطلاع‌رسانی درست، سرباز زدند و در ابتدا با کتمان و سپس با اخبار ضد و نقیض، بر ابهام ماجرا افزودند.

جهیمان و جماعت او از اوضاع جامعه ناراحت بودند. از نظر آنها جامعه دچار انحطاط و غرق در فساد و دین مردم در حال نابودی بود. فتنه‌های آخرالزمان همه جا را گرفته و به گفته روایات، دیگر خانه‌ای نمانده بود که فتنه در آن وارد نشده باشد. علاوه بر اینکه از نظر جهیمان، علامات و نشانه‌های نزدیک شدن قیامت یعنی فتن و اشراف الساعة، در جامعه دیده می‌شد. جهیمان در رساله «الفتن و اشراف الساعة» انواع فتنه‌ها را مشخص کرده است که عبارت‌اند از: اسکناس‌ها، تصاویر انسان‌ها، تلویزیون و مانند آن که در جامعه منتشر بودند.^۲ علاوه بر اینها او مخالف مشاغل حکومتی بود. از نظر او شغل حکومتی مانع از گفتن کلمه حق می‌شود و تا وقتی که انسان از حکومت حقوق دریافت می‌کند دیگر نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته است در قبال حکومت کلمه حق را به زبان آورد.^۳

برخی این حرکت و نارضایتی اجتماعی را اقدام انقلابی به سبک چپی‌ها می‌دانستند و آن را به عنوان قیام طبقه کارگر جامعه سعودی در مقابل طبقه ثروتمند و اشراف سعودی

۱. مقدسی، ابو محمد عاصم. الکواشف الجلیة فی کفر الدولة السعودية، ص ۲۵۲-۲۵۱.

۲. عتیبی، جهیمان، رسالة الفتن و أخبار المهدي و نزول عیسی و اشراف الساعة، ص ۵.

۳. حزیمی، ناصر، مصاحبه‌گر: خالد المشوح، خطیئة جهیمان المجلدة الإلكترونية.

تفسیر می‌کردند. ناصر السعید، رهبر تاریخی «اتحاد شعب الجزيرة» می‌گوید این حرکت، جزئی از قیام مردمی در راستای تشکیل جمهوری و اصلاحات دموکراتیک است.^۱ در مقابل، حاکمان سعودی تلاش کردند ابعاد سیاسی این حرکت را نفی و آن را امری صرفاً دینی و مبتنی بر روایات و نوعی توهم‌زدگی معرفی نمایند. فهد گفت: هدف آنها جز خروج مهدی منتظر، نبوده است و مسئله چیزی بیش از رؤیاهای این عده نیست.^۲ در هر صورت این اقدام جهیمان و یارانش، نشان از نارضایتی آنان از حکومت آل سعود بود. نکته حائز اهمیت این است که جهیمان و یارانش یک گروه خاص با ایده‌ای نادر نبودند - به جز در نحوه مقابله با بدعت‌ها که با خروج مهدی تحقق یافت - بلکه آنچه رسوائی آل سعود را بیشتر می‌کرد، این نکته بود که آنها صدای جریان مذهبی و بخش متدین وهابی جامعه عربستان بودند. اگرچه حکومت و علما، این گروه را فرقه ضاله نامیدند، اما واقعیت این بود که حتی همان علمایی که فتوای جواز کشتار جماعت جهیمان را صادر کردند، با او درباره فتنه‌ها و بدعت‌هایی که جامعه را فرا گرفته بود، هم‌عقیده بودند. به همین جهت در قبال فتوایی که صادر کردند، حکومت در عمل موظف شد به اصلاحات اجتماعی تن دهد که عملاً خواسته جماعت جهیمان بود.

۳. ترس از نفوذ انقلاب ایران

از طرف دیگر این داستان چند ماه پس از انقلاب مردمی ایران رخ داد و می‌توانست آغاز یک انقلاب مشابه در عربستان سعودی باشد. دولتمردان آل سعود، نگران خطری به مراتب بزرگ‌تر از قیام جهیمان بودند، یکی از این دغدغه‌ها انقلاب ایران بود. انقلاب ایران در دل خاندان سعود، ترس و واهمه انداخت. ظهور دولت شیعی، تهدیدی برای عربستان سعودی وهابی بود. حکومت شیعی در ایران می‌توانست تنش شیعه و سنی را افزایش دهد و جایگاه عربستان به‌عنوان رهبر مسلمین جهان را به چالش بکشد. همزمان با تحولات ایران، چپ‌گرایان مارکسیست در یمن به قدرت رسیدند و با کمک شوروی، منافع عربستان در شمال یمن را به خطر انداختند.^۳ برای جلوگیری از شبیه‌سازی و

۱. هیگهامر، توماس و استیفان لاکرو، حتی لایعود جهیمان، ص ۵۸-۱۷.

۲. قحطانی، فهد، زلزال جهیمان فی مکه. منظمة الثورة الإسلامية فی الجزيرة العربية، ص ۳۲.

3. Yaroslav, Trofimov, *The siege of Mecca*. Anchor Books, 2007, 46.

انتساب این جماعت به ایران، مسئولان سعودی تلاش کردند تا رابطه این جماعت با ایران را انکار نمایند. پیوند خوردن این حرکت به انقلاب ایران می‌توانست گروه‌های مختلف مخالف حکومت سعودی را تحریک نماید. در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۳ وزیر وقت کشور، امیر نایف اعلان کرد که ارتباط این جماعت با ایران هنوز به اثبات نرسیده است، درحالی‌که وزیر کشور سعودی پیشتر در نشست خبری خود، ایران را متهم کرده بود.^۱ علاوه بر قرابت زمانی این حادثه با انقلاب اسلامی ایران، مطلب دیگری که احتمال دخالت ایران و شیعیان را تقویت می‌کرد، مسئله بیعت با مهدی بود.^۲ به همین دلیل آمریکایی‌ها در انتساب این حرکت به ایران شتاب کردند.^۳ این شایعه می‌توانست به ضرر انقلاب نوپای ایران تمام گردد، اما ابتکار هوشمندانه امام خمینی در نشانه‌رفتن آمریکا به عنوان صحنه‌گردان ماجرا، از این فتنه جلوگیری کرد و خود آمریکایی‌ها را دچار چالش کرد.^۴

۴. آشکار شدن ضعف نیروهای امنیتی و رزمی عربستان

با وقوع حادثه اشغال حرم، ناتوانی در حفظ و حراست از خانه کعبه، بزرگ‌ترین آبروریزی سیاسی ممکن برای آل سعود بود. آل سعود درحالی‌که داعیه رهبری جهان اسلام را داشت و برای حل مسائل منطقه به کشورهای عربی می‌رفت نتوانست حرمت خانه کعبه را حفظ کند و مانع از ورود عده‌ای مسلح در حرم امن الهی و آتش‌گشودن در آن و به گروگان گرفته شدن عمره‌گذاران و نمازگزاران شود. بر ملا شدن ضعف و ناکارآمدی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی عربستان مایه آبروریزی برای آنان تلقی می‌شد. اینکه چطور این عملیات، سازمان دهی و اسلحه و تجهیزات آماده شده و چگونه این همه سلاح و نیرو و آذوقه وارد مسجد شده، بدون اینکه نیروهای امنیتی به آن پی برده باشند، بیش از هر چیز حاکی از ناتوانی نیروهای اطلاعاتی در تشخیص و کشف این عملیات بود. از این رو شاهزادگان آل سعود از همان ابتدای ماجرا به این نتیجه رسیدند که باید از انتشار اخبار

۱. احمد، عدنان، وثائق «جهیمان» إستعادة أوراق منسية، الحرام، «قصة و فکر المحتلین للمسجد الحرام، مركز المسبار للدراسات والبحوث، ص ۱۲.

۲. قحطانی، فهد. زلزال جهیمان في مكة، ص ۱۳.

3. Yaroslav, Trofimov, *The siege of Mecca*. Anchor Books, 2007, 72.

۴. آقامحمدی، مرتضی، بازتاب انتفاضه مسجدالحرام بر ضد آمریکا، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴.

اشغال مسجدالحرام جلوگیری شود، اما به هر حال خبر آن به زودی همه دنیا را گرفت. در گام بعدی آنها اصرار به ارائه اخبار کذب داشتند. از طرفی آل سعود در تبلیغات خود و در خطابات رسمی اش، جماعت جهیمان را به عنوان «زمره» یا «فته باغیه» یا «خوارج» یا «مسلحون» یاد می کرد. این تعبیر برای نفی مشروعیت از اشغال کنندگان مسجدالحرام بود.^۱ از طرف دیگر آنها تلاش می کردند ابعاد حادثه را کوچک و امری ناچیز نشان دهند. نایف، در اظهاراتی برای بی اهمیت نشان دادن اشغال مسجد و فعالیت جماعت، مدعی - شد که اسلحه جماعت، از سلاح ساده و سبکی است که مردم مملکت و به خصوص اهل بادیه دارا هستند و آنان فاقد هرگونه سلاح پیشرفته ای می باشند و حتی آنها بیشتر مهمات و ذخیره خود را در همان روز اول تمام کردند.^۲ در سه روز اول عملیات، رسانه های سعودی اعلان می کردند که اسلحه ها در کنار جنازه ها و تابوت ها وارد حرم شده است (پس نباید مقدار زیادی سلاح وجود داشته باشد)، این در حالی بود که هنوز هویت و ملیت افراد و نوع اسلحه های آنها معلوم نبود، حال چطور می توانستند طریقه ورود اسلحه ها را مشخص نمایند؟ فهد در یکی از مصاحبه های خود در ۱۹/۱/۱۹۸۰ با روزنامه السفير لبنان گفت که جماعت، اسلحه ها را در زیر عباها پنهان کرده و به مسجد آورده اند و برای حمل سلاح و ذخیره های غذایی مبلغ ۴۰ هزار ریال به یکی از دربان ها رشوه داده اند.^۳ برخلاف اظهارات مسئولین سعودی، اسنادی وجود دارد که نشان می دهد برنامه اشغال و حمل سلاح مدرن به حرم، با دقت محاسبه شده بود. ساندرا ماک^۴ در صفحه ۲۳۱ از کتاب «السعودیون: داخل المملكة الصحراویة» می گوید: «دو ماه پس از تمام شدن اشغال حرم، شیخ عبدالعزيز التویجری، نایب رئیس گارد ملی به من گفت که سلاح هایی که جماعت جهیمان در اشغال حرم استفاده کردند به طور مستقیم از مخازن سلاح گارد ملی آمده بود

۱. احمد، عدنان، وثائق «جهیمان» إستعادة اوراق منسیة، الحرام، «قصه و فکر المحتلین للمسجد الحرام. مرکز المسبار للدراسات والبحوث، ص ۱۴.

۲. هیگهامر، توماس و استیفان لاکرو، حتی لایعود جهیمان، ص ۱۸۹.

۳. قحطانی، فهد. زلزال جهیمان فی مکه، ص ۶۴.

۴. ساندرا ماک تحلیل گر آمریکایی و فوق لیسانس در رشته الشؤون الدولیه از دانشگاه ویرجینیا. او در ایالت جورجیا در رشته علوم سیاسی در دانشگاه تدریس کرده است. همسرش که پزشک بود، در سال ۱۹۷۸ به عربستان آمد، تا در بیمارستان ملک فیصل کار کند. او نیز به همراه همسرش به عربستان آمده بود. او شش کتاب در مورد خاورمیانه منتشر کرده است.

و در داخل کاروانی از ماشین‌های سنگین گارد ملی وارد حرم شد.^۱ بیشتر سلاح‌هایی که جهیمان جمع‌آوری کرد از مخازن گارد ملی آمده بود. اسلحه‌های جدیدی که در صندوق‌های اصلی آورده شده بودند.^۲

برخلاف ادعای مسئولان سعودی که مدعی بودند اشغالگران در زمان بسیار کوتاهی پس از ایام حج، به ایده اشغال مسجدالحرام می‌رسند و تا قبل از آن چنین چیزی در ذهن آنها نبوده است، ناصرالحزیمی که از دوستان نزدیک جهیمان و از اعضای جماعت او بوده و نیز پس از اتمام غائله، با عاملان اشغال حرم در زندان بوده، اظهار می‌کند که تقریباً یک سال قبل از اشغال حرم، جماعت، جمع‌آوری سلاح را آغاز کرد و شخص اصلی در این کار، سعید برادر بزرگ القحطانی بود و چند ماه قبل از اشغال حرم، شروع به تمرین با اسلحه کردند.^۳

۵. قیام علیه حاکم مسلمان در جهان سنی

و جوب اطاعت از حاکم و حرمت قیام علیه او از مسائل مورد اتفاق در میان اهل سنت است. حتی اگر حاکم، فردی فاسق و ستمگر باشد، نمی‌توان بر ضد او قیام کرد، بلکه تنها وظیفه‌ای که مردم نسبت به او دارند ارشاد اوست. از طرف دیگر حاکم با ارتکاب فسق از حکومت عزل نمی‌گردد. در این زمینه روایات فراوانی در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد که آنها را به چنین اجماعی می‌رساند. در صحیح مسلم از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «هر کس از حاکم و رهبر خود امر ناپسندی مشاهده کرد، می‌بایست بر آن صبر نماید، چرا که هر کس از جماعت فاصله بگیرد به مرگ جاهلی مرده است».^۴

ابوالحسن اشعری گفته است:

ما به حکم دین خود، پشت سر هر امام نیکوکار یا ظالمی نماز می‌گذاریم و برای امام مسلمانان دعا می‌کنیم و به امامتشان اقرار داریم. حتی اگر کسی بر

۱. هیگهامر، توماس و استیفان لاکرو، حتی لایعود جهیمان، ص ۱۰۳.

2. Yaroslav Trofimov, *The siege of Mecca*. Anchor Books, 2007, 43 .

۳. حزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، ص ۱۲۹.

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيُضَيِّرْ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا قَمَاتَ فَمِيَتُهُ جَاهِلِيَّةٌ» (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۴۷۷).

امامی که لغزش در دین داشته باشد، خروج کند باز هم گمراه است. در دین ما قیام مسلحانه علیه حاکم جایز نیست.^۱

عالم‌ان سلفی سرشناسی همچون ابن تیمیه و ابن قیم نیز همین دیدگاه را دارند.^۲ با این حال، جهیمان العتیبی با نظریه خود، در مورد حدود و چگونگی اطاعت از حاکم مسلمان، نگاهی متفاوت ارائه کرد. این مطلب مقدمه‌ای برای تحولات بعدی در جهان اهل سنت بود. این نکته از ابعاد مهم دیگر، در حرکت جهیمان است. جهیمان برخی مطالب مربوط به قرن نوزدهم، همچون مفهوم «ملت ابراهیم» که در آثار امثال سلیمان بن عبدالله الشیخ بود را زنده کرد.^۳ او پس از تبیین ضرورت و لزوم تبعیت از مسلک ابراهیم خلیل علیه السلام به نص قرآن^۴ در مقام تبیین این مسئله برآمده و ملت ابراهیم علیه السلام را بر دو اصل استوار می‌داند: اول اخلاص در عبادت الله و دیگری تبری از شرک و اهل شرک و اظهار دشمنی و عداوت با آنها.^۵ ملت ابراهیم علیه السلام برائت از شرک و اهل آن و قطع ارتباط با آنها است و اسلام هم بدون این اصل به کمال و تمامیت نرسد.^۶

او از جامعه متدین و مذهبی انتقاد می‌کند که اگر شخص ضعیفی خطا کند بر او سخت می‌گیرند، اما اگر سلطان خطا کند، برایش عذر می‌تراشند و اگر عذری نیافتند برای خودشان عذر تراشی می‌کنند که در موضع ضعف هستند و قدرت تغییر امور را ندارند. این در حالی است که سکوت در مورد برخی و بیان در مورد برخی دیگر، برخلاف ملت ابراهیم علیه السلام است که در بیان حق، نه از جان خود و نه از مالش دریغ کرد.^۷

۶. متهم شدن آمریکا در جهان اسلام

بی‌اطلاعی از کیستی و انگیزه عاملان این جریان و پنهان‌کاری مرسوم سعودی‌ها، سبب

۱. اشعری، ابوالحسن، الإبانة، ص ۳۳-۳۲.

۲. ابن تیمیه، تقی‌الدین، الفتاوی الکبری، کتاب الرد علی الطوائف الملحدة، ج ۶، ص ۶۵۹؛ ابن قیم الجوزیه، محمد، اجتماع الجیوش الإسلامیه، ص ۲۱۹.

3. Brachman, Jarret M.. Global Jihadism: Theory and Practice. Routledge, 2008, 61.

۴. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ...» (سوره ممتحنه، آیه ۴).

۵. «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره نمل، آیه ۱۲۳).

۶. عتیبی، جهیمان، رساله رفع الإلتباس عن ملّة من جعله الله اماماً للناس، ص ۵.

۷. همان، ص ۷.

شد تا فضا برای گمانه‌زنی باز شود. در این میان، نوک پیکان حمله‌ها در جهان اسلام، آمریکا را نشانه رفت. علت اصلی این مطلب، پیشگامی آمریکا در نقل این خبر بود. نظام سعودی سراسیمه، تلاش کرد تا هیچ خبری از این ماجرا به بیرون درز نکند؛ پس فرودگاه‌ها را بستند و کلیه خطوط مخابراتی را مسدود کردند، ولی در کمتر از ۳۰ ساعت، خبر این حادثه به همه دنیا مخابره شد. عامل پخش خبر هم رادیو صدای آمریکا بود. دولتمردان آمریکا گرچه اطلاعات زیادی در اختیار نداشتند، ولی موضوع اشغال مکه را مطرح کرده و هویت عاملان حادثه را نیز این‌چنین اعلام کردند: «اشخاص مسلح که گویی ایرانی هستند، مسجدالحرام را به اشغال خود در آورده‌اند». صبح روز بعد این خبر تیتراژ همه روزنامه‌ها بود.^۱ حوادث مسجدالحرام به کانون شایعات تبدیل شده بود. برای دولت آمریکا، اصلی‌ترین پیامد بحران مسجدالحرام، حمله به دیپلمات‌های آمریکا در روز چهارشنبه ۲۱ نوامبر، یک روز پس از اشغال مسجدالحرام، در پاکستان بود.^۲ مقامات دولت آمریکا از شدت احساسات ضدآمریکایی، شوکه بودند. در این حمله، دانشجویان پاکستانی به سفارت آمریکا حمله کردند که منجر به کشته و زخمی شدن چند نفر گردید. در روز پنج‌شنبه تظاهرکنندگان، خشمگین از اتفاقات مسجدالحرام، محل اقامت کنسول آمریکا در ازبکستان را سنگ‌باران کردند. همین داستان در بنگلادش نیز اتفاق افتاد، تظاهرکنندگان سعی داشتند سفارت آمریکا را به آتش بکشند که پلیس مانع شد.^۳ آمریکایی‌ها از حوادث به‌وجود آمده درمانده بودند و به سعودی‌ها فشار می‌آوردند تا موضع صریحی گرفته و آمریکا را از حوادث مسجدالحرام تبرئه کنند. البته سعودی‌ها که از شتاب آمریکا در برملا کردن داستان، ناراحت بودند، در این زمینه کوتاهی می‌کردند. شاید علت دیگر اهمال‌کاری آنها این بود که به‌واقع هنوز شناخت درستی از همه آنچه در داخل حرم می‌گذشت، نداشتند. البته آنان، جهیمان و جماعت او و جنس مطالباتشان را می‌شناختند و از این جهت مسئله روشن بود. نایف، در مورد متهم‌بودن آمریکاییان اظهار داشت:

۱. آقامحمدی، مرتضی، فصل تکفیر در عربستان در مصر، ص ۶۵.

۲. Trofimov 2007 Yaroslav, Trofimov. The siege of Mecca. Anchor Books, 2007, 78.

۳. آقامحمدی، مرتضی، بازتاب انتفاضه مسجدالحرام بر ضد آمریکا، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴.

بعد از اینکه آمریکا پیش‌دستی کرده و حادثه را اعلان کرد، طبیعتاً دیگران حق داشتند که در داستان اشغال حرم، آمریکا را متهم کنند. واشنگتن در نقل خبر پیشی گرفت، گویا که از قبل، از حادثه خبر داشته باشد. به نظر من این کار و موضع آمریکا اشتباه بود... آنها باید صبر می‌کردند تا خبر را از ما بشنوند.^۱

در نشست اتحادیه عرب در تونس، دیپلمات‌های آمریکایی دنبال نماینده عربستان سعودی یعنی سعود الفیصل بودند تا پیام شخصی سفیر آمریکا در عربستان را به او برسانند. در این پیام نوشته بود: «بسیار مهم است که دولت عربستان بیانیه‌ای شفاف صادر کند و به صراحت بگوید که آمریکایی‌ها در پشت پرده ماجرای مکه نیستند». چند ساعت بعد، سعود الفیصل درخواست آمریکایی‌ها را با ولیعهد، فهد مطرح کرد و با وعده اقدام، این پاسخ را به سفیر آمریکا داد: «دولت عربستان سعودی به‌طور قاطع می‌تواند بگوید هیچ ارتباطی بین آمریکا و حادثه مکه وجود ندارد».^۲ بعد از ظهر پنج‌شنبه، شاهزاده نایف، بیانیه‌ای صادر کرد و چنین گفت: «نه ایران، نه آمریکا و نه هیچ کشور دیگری در ماجرای مسجد الحرام نقش ندارد و گزارش‌های مبنی بر دست‌داشتن آمریکا در این ماجرا کاملاً کذب و بی‌اساس می‌باشد».^۳ اما در آن فضای مبهم و هیجان‌زده، این اظهارات فایده‌چندانی نداشت، به‌خصوص که همگان می‌دانستند که نمی‌توان به مسئولین سعودی اعتماد کرد و آنها پیوسته پنهان‌کاری و دروغ‌پردازی می‌کردند و مدام اخبار ضد و نقیض از آنها شنیده می‌شد.

جهان اسلام همچنان ملتهب بود. در روز جمعه حدود ۱۰ هزار نفر در داکار، پایتخت بنگلادش به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر آمریکا سر دادند. تظاهرکنندگان قصد داشتند وارد سفارت آمریکا شوند و آنجا را به آتش بکشند. سفیر عربستان در بنگلادش که همراه نمازگزاران آن روز در مسجد بود، سخنرانی کرد و جان آمریکایی‌ها را نجات داد؛ اما خشم اسلامی در کلکته، نمودی کاملاً متفاوت داشت. حزب کنگره ملی هند که پشتیبان

۱. هیگهامر، توماس و لاکرو استیفان، حتی لایعود جهیمان، ص ۱۸۲.

2. Trofimov 2007 Yaroslav, Trofimov. The siege of Mecca. Anchor Books, 2007, 101.

۳. احمد، عدنان، وثائق «جهیمان» إستعادة أوراق منسیه، الحرام، «قصه و فکر المحتلین للمسجد الحرام، مرکز المسبار للدراسات والبحوث، ص ۱۲.

نخست وزیر قبلی، ایندیرا گاندی بود از اقلیت مسلمان در انتخابات حمایت کرد. این حزب روز جمعه برنامه تظاهراتی را در مقابل کنسول آمریکا سازماندهی کرد. سخنرانی پرشوری درباره توطئه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها برای نابودی اماکن مقدس مسلمانان، ایراد شد که جمعیت تظاهرکننده را به هیجان آورد. تظاهرکنندگان به سوی کنسولگری آمریکا حمله‌ور شدند و با سنگ به حلقه پلیس گارد کنسولگری حمله کردند. اما پلیس هند، بر عکس گارد سفارت در اسلام آباد پاکستان، سرسخت بود و به‌سوی تظاهرکنندگان گاز اشک‌آور شلیک کرد. در درگیری‌ها، هشت نفر از افسران پلیس و ده‌ها تن از تظاهرکنندگان زخمی شدند.^۱ در کویت هم تظاهرکنندگان از تخریب سفارت آمریکا در پاکستان و حمله به سفارت آمریکا در ترکیه، هند و بنگلادش الگو گرفتند. مسلمانان کویتی نزدیک سفارت آمریکا در کویت، تجمع کردند و سعی در ورود به سفارت داشتند. نظامیان کویتی با توسل به گاز اشک‌آور و نارنجک صوتی، توانستند جمعیت معترض را متفرق کنند. دو روز بعد نوبت به طرابلس، پایتخت لیبی رسید. روز یکشنبه، ۲ دسامبر بود که جمعیت معترض در لیبی به سفارت آمریکا حمله‌ور شد. پرسنل سفارت با دیدن جمعیت از دور، سفارت را تخلیه کردند و با شلیک گاز اشک‌آور فضای داخل را پر از دود کردند.^۲ بدین شکل موجی از نفرت و انزجار در جهان اسلام در مقابل آمریکا به‌وجود آمد.

۷. تحریک شیعیان عربستان به قیام

گرچه جهیمان سنی بود، ولی اقدام او که دقیقاً روز اول محرم آغاز شده بود، باعث تشدید غلیان احساسات مذهبی در مناطق شیعه‌نشین شد. طبیعتاً همزمان با شروع ماه محرم، احساسات مذهبی در مناطق شیعه‌نشین اوج می‌گیرد. شیعیان مناطق شرقی عربستان از برنامه جهیمان و ایدئولوژی او هیچ اطلاعی نداشتند، شیعیان نمی‌دانستند جهیمان و هم‌قطارانش در مقایسه با آل سعود به مراتب متخاصم‌تر هستند و محدودیت‌های بیشتری برای شیعیان قائل هستند. شایعات مربوط به بحران مسجدالحرام دهان به دهان چرخید و جوانان پرشور و شوق شیعه از این اقدام به وجد آمدند. بیشتر آنان، نهضت جهیمان و

1. Trofimov 2007 Yaroslav, Trofimov. The siege of Mecca. Anchor Books, 2007, 104.

۲. همان، ص ۱۵۷-۱۵۶.

هم‌مسلكانش بر ضد آل سعود را نوعی انقلاب از جنس انقلاب ایران می‌دانستند.^۱ در نتیجه جبهه دؤم مبارزه علیه آل سعود گشوده شد. جهيمان مجاهد که دشمن دشمن آنان بود، سال‌های سال، مقتدای انقلابيون شيعه در عربستان به‌شمار می‌رفت.^۲ عجيب اينکه با تمام آنچه در مورد موضع جهيمان در مورد شيعه گفته شد، معارضين شيعه سعودی در آن ایام و نیز آنها که در سازمان انقلاب اسلامی در جزيرة العرب بودند، اعلام کردند که در قضيه استیلاي بر حرم، به جهيمان کمک کرده‌اند و او را شهيد نامیدند.^۳ اين درحالی است که به معنای واقعی کلمه، جهيمان به خون شيعه تشنه بود و یکی از دلائل قيام خود، بر ضد حکومت آل سعود را عدم رخصت در قتل شيعيان ذکر می‌کرد. او از دولت سعودی انتقاد می‌کرد که اسم خود را دولت توحيد گذاشته درحالی که مسيحيان و مشرکاني همچون رافضی‌ها را در کنار مسلمانان جمع کرده و هر کدام را به دين خود قرار داده است و اجازه نمی‌دهد کسی با مشرکيني که علی عليه السلام و حسين عليه السلام را می‌خوانند، بجنگند.^۴

شيعيان به دلائل مختلف از آل سعود ناراضی بودند. مردم اين منطقه از درآمد حاصل از فروش نفت، نصیبي نداشتند، درحالی که شرکت آرامکو برای استخراج نفت، چاه‌های نفت را پر از آب می‌کرد تا سطح نفت بالا بیاید و استخراج تسهیل شود. این آب از منابع آب‌های زیرزمینی مناطق شيعه‌نشین برداشت می‌شد و باعث بروز نوعی فاجعه زیست‌محیطی در شرق عربستان شده بود. کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، باعث شد کانال‌های آبیاری خشک شود. اگر شيعيان در عربستان، کافر تلقی نمی‌شدند، دست‌کم مرتد به حساب می‌آمدند و از تصدّی مناصب بالایی دولتی و نظامی محروم بودند. در مدارس ابتدایی دولتی، به کودکان شيعه آموزش می‌دادند که تشييع از جمله بدعت‌های يهوديان و شياطين است که برای تضعیف ايمان راسخ پایه‌گذاری شده است. همچنین عزاداری ماه محرم و اقامه مجلس عزا برای امام حسين عليه السلام در عربستان ممنوع بود. مهم‌ترین عامل انتفاضه شيعيان عربستان مربوط به مسائل سیاسی، اقتصادی و

۱. در جزوه کوچکی که حرکت شيعی انقلاب اسلامی عربستان در آن زمان منتشر کرده از جهيمان با عنوان شهيد یاد کرده است.

۲. قزوينی حائری، یاسر، حركة جهيمان العتيبي و الإخوان المسلمون السعودية والسلفية الجهادية، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. عتيبي، جهيمان، رسالة الإمارة والبيعة والطاعة، ص ۲۵.

اجتماعی خودشان بود، نه انقلاب ایران. بنا به گفته خود شیعیان، محرومیت‌های اجتماعی، نبود آزادی بیان و تبلیغات منفی علیه انقلاب ایران، سه عامل اصلی اعتراضات بود.^۱

چند روز پس از اشغال مسجدالحرام، شیعیان منطقه شرقیه، مراسم عاشورا را برپا کردند. حسن الصفار و توفیق السیف دو جوانی بودند که این اعتراض‌ها را رهبری می‌کردند.^۲ در عصر روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۷۹ صدها تن از جوانان، تکبیرگویان بیرون رفتند و شعارهای انقلابی سر دادند. رفته‌رفته بر تعداد جوانان معترض افزوده شده بود و فریادکنان به مرکز شهر قطیف رسیدند. پس از مداخله پلیس و ضرب و شتم معترضان، حرکت آن روز خاتمه یافت و جمعیت پراکنده شد. شاهزادگان آل سعود از تظاهرات شیعیان به شدت شوکه شده بودند. قیام مردمی در مناطق نفت‌خیز عربستان می‌توانست ضرباتی سهمگین‌تر از بحران مسجدالحرام به آل سعود وارد کند.

چند روز بعد در شهر سیهات نیز شعله خشم زبانه کشید. در حمله پلیس به معترضان، یک جوان شیعه کشته شد. شب‌هنگام دولت آل سعود چنان از گسترش دامنه اعتراضات بیمناک شده بود که گارد ملی را از مکه فراخواند و همه گردان‌های نظامی گارد ملی عربستان برای سرکوب مناطق شیعه‌نشین اعزام شدند. تظاهرکنندگان شعار «لاسنیة لاشیعیتة وحدة وحدة اسلامیة» سر می‌دادند، اما نظامیان به سمت سینه و بالا تهنه تظاهرکنندگان آتش گشودند. برخی کشته و زخمی شدند و عده‌ای فرار کردند. بیمارستان‌های دولتی از پذیرش مجروحین امتناع کردند و زخمی‌ها در میان بهت و ناباوری به حسینیه‌ها منتقل شدند. آل سعود که می‌ترسید شورش شیعیان گسترش پیدا کند و همه استان‌های شرقی عربستان را در بر گیرد و صادرات نفت را مختل کند، همان روز دستور داد همه جاده‌های منتهی به شهرهای شیعه‌نشین مسدود و همه خطوط تلفن قطع شود. طبق روال مخفی کاری آل سعود، هیچ خبری از این وقایع تلخ نیز در رسانه‌ها جرأت انتشار نیافت.^۳

1. Jones, Jeremy, and Nicholas Ridout, Oman, *Culture and Diplomacy*, 163.

2. Matthiesen, Toby, *Shia uprising 1979*. n.d. <http://arabia2day.com/tag/shia-uprising-1979/>.

3. Craig Jones, Toby, *International Journal of Middle East Studies*, 2006.

جمع‌بندی

اگرچه اشغال مسجدالحرام در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی در محدوده مسجدالحرام به وقوع پیوست، درعین حال بسیاری از مفاهیم و مناسبات را در عالم اسلام و به‌طور خاص در کشور عربستان دچار دگرگونی کرد. هتک حرمت مسجدالحرام و آتش‌گشودن از سوی اشغالگران و نیز دولت سعودی و صدور فتوای علمای وهابی در مورد عاملان آن، زمینه پیدایش ادبیات جدیدی گردید که در قالب آن، امکان تکفیر مسلمانان وجود داشت و از سوی دیگر به سادگی حکم به کفر حاکم مسلمان می‌گردید. این حادثه، برخلاف تبلیغات رایج از سوی آل سعود، نشان از تنش و نارضایتی بدنه متدین وهابی از اوضاع جامعه را نشان می‌داد. از سوی دیگر ناکارآمدی نیروهای اطلاعاتی در تشخیص این حادثه قبل از وقوع آن و ضعف نیروهای نظامی در دفع این بحران و در آخر کار، متوسل شدن به نیروهای بیگانه، آبروریزی سنگینی برای آل سعود به شمار می‌رفت. ترس از سرایت انقلاب اسلامی ایران به عربستان، واهمه دیگری بود که خاندان سعود را به وحشت انداخت. خیزش عدالت خواهانه شیعیان منطقه شرقیه نیز به بحران عربستان دامن زد و کشور را با چالشی چندسویه مواجه کرد. لبه تیز این شمشیر، آمریکایی‌ها را نیز از گزند خود در امان نداشت و آنها را با بحرانی بین‌المللی مواجه کرد؛ اما داستان به همین مقدار خاتمه نیافت و نسل‌های بعدی سلفیت به شدت تحت تأثیر شخصیت جهیمان العتیبی و حرکت او قرار گرفتند. تبیین چگونگی و ابعاد تأثیرگذاری این حرکت، بر آینده سلفیت جهادی در مقاله‌ای دیگر خواهد آمد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقامحمدی، مرتضی، **بازتاب انتفاضه مسجدالحرام بر ضد آمریکا**، ۱۳۹۴، وبسایت موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر، آدرس: <http://maraminstitute.com/notes/1352>
۳. آقامحمدی، مرتضی، **نشش گفتار در سلفیت معاصر**، قم: انتشارات رسول اعظم، ۱۳۹۵ ش.
۴. آقامحمدی، مرتضی، **فصل تکفیر در عربستان در مصر**، قم: انتشارات علامه بهبهانی، ۱۳۹۶ ش.
۵. ابن تیمیه، تقی الدین. **الفتاوی الکبری**، کتاب الرد علی الطوائف الملحده، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷ م.
۶. ابن قیم جوزیه، محمد، **اجتماع الجیوش الإسلامیه**، دمشق: مکتبه دارالبیان، بی تا.
۷. ابن کثیر، اسماعیل، **السیره النبویه**، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، ۱۹۷۱ م.
۸. احمد، عدنان، و ثائق «جهيمان» إستعادة أوراق منسیة، الحرام، «**قصة و فکر المحتلین للمسجدالحرام**»، مرکز المسبار للدراسات والبحوث، ۲۰۱۱ م.
۹. اشعری، ابوالحسن، **الإبانه**، تحقیق: فوقیه حسین محمود، قاهره: بی تا، ۱۹۸۸ م.
۱۰. حزیمی، ناصر، **أیام مع جهيمان**، بی جا: الشبكة العربیة للابحاث و النشر، ۲۰۱۲ م.
۱۱. حزیمی، ناصر، مصاحبه گر: خالد المشوح، **خطیئة جهيمان المجلة الإلكترونية** تاریخ انتشار: ۲۱ نوامبر ۲۰۰۹ م.
۱۲. عتیبی، جهيمان، **رسالة الإمارة و البيعة والطاعة**، بی جا، بی تا، وبسایت: «الجهة الإعلامية الإسلامية العالمية».
۱۳. عتیبی، جهيمان، **رسالة رفع الإلتباس عن ملة من جعله الله إماماً للناس**، وبسایت: منبر التوحيد والجهاد، بی تا.
۱۴. عتیبی، جهيمان، **رسالة الفتن و أخبار المهدي و نزول عيسى و إشراف الساعة**، بی جا: وبسایت: منبر التوحيد والجهاد، بی تا.
۱۵. قحطانی، فهد، **زلزال جهيمان في مكة**، بی جا: منظمة الثورة الإسلامية في الجزيرة العربية، ۱۹۸۷ م.
۱۶. قزوینی حائری، یاسر، **حركة جهيمان العتيبي و الإخوان المسلمون السعودیة والسلفية الجهادیة**، بی جا: بی تا، بی تا.
۱۷. کردی، محمد طاهر، **التاریخ القویم لمكة و بیت الله الکریم**، بیروت: بی تا، ۲۰۰۰ م.

١٨. مقدسى، ابو محمد عاصم، **الكواشف الجلية فى كفر الدولة السعودية**. أدرس:
<http://www.tawhed.ws>.
١٩. نيشابورى، مسلم، **صحيح مسلم**. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٢٠. هيگهامر، توماس و استيفان لاکرو، **حتى لا يعود جهيمان**، بيروت: منتدي المعارف، ٢٠١٤م.
٢١. نووي، يحيى بن شرف أبو زكريا، **شرح النووي على مسلم**، بى جا: دار الخير، ١٩٩٦م.
22. Craig Jones, Toby.
23. <http://journals.cambridge.org>.
24. Jones, Jeremy, and Nicholas Ridout.
25. Matthiesen, Toby.
26. <http://arabia2day.com>.
27. Brachman, Jarret M.
28. Yaroslav, Trofimov.

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۴ ♦ زمستان ۱۳۹۵
صفحات: ۸۴-۶۳ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۷ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۵/۲۱



بررسی جریان سروریه عربستان سعودی

ابوذر فروتنی*

چکیده

جدایی محمد سرور از اخوان سوریه و حضور وی در عربستان و تأثیرپذیری وی از وهابیت، سبب شد جریان جدیدی به نام سروریه در دل وهابیت به وجود آید که از لحاظ اعتقادی پیرو ابن تیمیه و از جنبه کارهای سازمانی و سیاسی، هم‌سلک اخوان المسلمین باشد. بزرگان سروریه با بهره‌گیری از جریان صحوه، شور سخنان و افکار جذاب جهادی به سرعت در بین جوانان سعودی رشد کردند و تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های درونی وهابیت و عربستان سعودی شدند. این جریان با پیوند بین عقائد ابن تیمیه و افکار سید قطب، حلقه وصل و معلم فکری گروه‌های جهادی شمرده می‌شود، هرچند در نوع برخورد با آل سعود و غرب، تفاوت‌های جدی با هم دارند. سروری‌ها با جداسازی بین خود و جریان فکری جامیه و شیعیان تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین جریان‌های داخلی عربستان سعودی شده‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد نگاهی کلان و گذرا به این جریان بوده است.

کلیدواژه‌ها: سروریه، محمد سرور، وهابیت، سلفیه، اخوان المسلمین.

* فارغ التحصیل موسسه خاتم النبیین ﷺ رشته نقد وهابیت، پژوهشگر موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت ﷺ.

مقدمه

عربستان سعودی از زمان تأسیس، آمیخته با فکر وهابیت سنتی بوده و خود را اهل توحید و داعیه دار جهان اسلام می دانست، با قدرت گرفتن جمال عبدالناصر، رقیبی قدرتمند برای آنها به وجود آمد که توانایی مقابله با آن و تفکرش را نداشتند. بروز اختلاف و درگیری میان اخوان المسلمین مصر و سوریه با حکومت های پان عربیسم، فرصتی مناسب برای عربستان به وجود آورد، عربستان با پذیرش اخوانی ها در دهه ۱۹۷۰ میلادی از تفکرات سیاسی آنها به عنوان سلاحی سودمند در مقابله با ایدئولوژی جمال عبدالناصر بهره برد.^۱ حضور برخی از اخوانی ها در عربستان با تأثیرپذیری از وهابیت همراه شد. این تأثیرپذیری باعث شد میان افکار جهادی سید قطب و مباحث اعتقادی وهابیت، پیوندی برقرار شود و یک جریان فکری سیاسی جدیدی به وجود آید که در دهه ۱۹۹۰ میلادی، موضع گیری علنی و شدیدی علیه حاکمان سعودی و حضور نیروهای آمریکایی در عربستان، اتخاذ کند. این جریان در همین سال ها از طرف مخالفین به سروریه مشهور شد. وجود ویژگی های منحصر بفردی در این جریان ضرورت معرفی آن را بر همگان آشکار می کند. اولین ویژگی که ضرورت معرفی این جریان را می رساند سرعت رشد سروریه در گستره جغرافیایی حوزه خلیج فارس است که هم اکنون از بزرگ ترین جریان های داخلی این کشورها محسوب می شود. نکته دیگری که ضرورت معرفی این جریان را می رساند اینکه سروریه اولین گروهی بود که در فضای عربستان، افکار جهادی را ترویج می کرد و به خاطر جذابیتی که این افکار برای جوانان سعودی داشت، زمینه حضور آنان در افغانستان برای مقابله با شوروی را فراهم کرد. مسأله دیگری که ضرورت معرفی این جریان را می رساند اینکه سروریه باعث شد تفکر بنیادین «جایز نبودن خروج بر حاکم» در برخی از گروه های سلفی به تفکر «جواز خروج بر حاکم» تغییر پیدا کند.^۲ همه این مسائل، ضرورت شناخت و معرفی این جریان را دوچندان می کند. لذا نوشتار حاضر با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، بیانیه ها و صفحات اینترنتی موافقان و مخالفان، در صدد بیان

۱. نک: الزییدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیة، ج ۲، ص ۱۲۷.

2. <http://alarab.co.uk/article/search/30798/>.